



نقش حاکمیت در توانمندسازی افراد دارای معلولیت (جسمی و ذهنی)

هفته سلامت روان ۱۴۰۰



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

معاونت بهداشت

معاونت بهداشت

معاونت بهداشت

قوانین توانمندسازی برای افراد دارای

معلولیت شامل:

* صدور کارت شناسایی معلولیت.

* تحت پوشش قرار گرفتن در حوزه

توانبخشی (تشخیص معلولیت).

* پرداخت کمک هزینه تحصیلی دانش آموز معلول.

* پرداخت هزینه به کودکان دارای بیماری‌های

متابولیک ارائه خدمات تردد به افراد دارای معلولیت،

کمک هزینه تردد.

* ارائه مجوز ورود به محدوده طرح ترافیک.

* استخدام ۳ درصد افراد دارای معلولیت.

* معافیت مالیاتی حقوق و مزایای والدین دارای

فرزند معلول.

* معافیت از خدمت وظیفه عمومی مشمولان دارای

فرزند معلول در خانواده.

* مناسب سازی مسکن و خودروی فرد معلول.



توانمندسازی فرآیندی است که جامعه از راه آن، از نیازها و خواسته‌های خود آگاه می‌شود و نوعی اعتماد به نفس و خوداتکایی را برای برطرف کردن آن نیازها به دست می‌آورد و بر اساس آن از توانایی لازم برای تحقق هدف‌های خود برخوردار می‌شود.

تعداد قابل توجهی از افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی دچار معلولیت هستند و طبق گزارش مشترک سازمان بهداشت جهانی (WHO) و بانک جهانی، آمار معلولین جهان ۱۵ درصد جمعیت جهان گزارش شده است.

در بسیاری از موارد مشاهده شده که این قشر در جامعه از توانمندی‌های خاص و قابل تقدیر در فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی، اجتماعی و ورزشی برخوردار هستند.

هدف از قانون توانمندسازی ایجاد تسهیلات لازم به منظور توانمندسازی افراد معلول در برنامه‌های عمومی کشوری و مشارکت نمودن در توسعه اجتماعی و تامین تسهیلاتی در جهت توانمندسازی آن‌ها برای دستیابی فرصت‌ها در همه سطوح زندگی است و ایجاد فرصت‌های دسترسی مساوی و موانع موجود در محیط زندگی و اجتماع برای معلولان.

مقدمه:

نقش توانبخشی مبتنی بر جامعه، کمک به فرایند توانمندسازی از طریق ارتقا، حمایت و تسهیل مشارکت فعال افراد ناتوان و خانواده‌هایشان در مسائل تأثیرگذار مربوط به زندگی است. آموزش مهمترین عاملی است که فرد ناتوان قادر می‌نماید از توانایی‌های خود استفاده نموده و با خانواده و جامعه تعامل داشته باشد و به طور کامل نقش خود را در جامعه و خانواده درک کند و آن را تحقق بخشد.

معلولیت واقعی است انکار ناپذیر و به عنوان یک پدیده اجتماعی از ادوار گذشته تا کنون در جوامع مختلف وجود داشته است. هر نوع کمبود و یا فقدان توانایی ناشی از اختلال که فعالیت‌های فرد را برای انجام امری به روش افراد عادی محدود کند یا دامنه فعالیت وی را از حالت طبیعی خارج نماید، معلولیت نامیده می‌شود. معلولیت و عدم معلولیت بر اساس یک الگوی زیستی- روانی- اجتماعی تبیین می‌شود، زیرا معلولیت نتیجه‌ی یک اختلال یا ناتوانی است که از انجام یک یا چند نقش طبیعی که مبتنی بر سن، جنس و سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی است می‌کاهد.

ناتوانی‌ها، ناهنجاری‌ها و نارسائی‌هایی که برای یک انسان به عنوان یک موجود زنده به وجود می‌آید خود را در سه قالب نمایان می‌سازد:

الف) بیماری‌ها:

که بوسیله اتخاذ تدابیر کلینیکی، دارویی و ... معالجه شده و از بین می‌روند.

ب) ضعف‌ها:

مانند ضعف‌های نگهداری، ضعف‌های ارگانی و یا ضعف‌های هماهنگی که بوسیله حرکات اصلاحی برطرف می‌شوند.

ج) معلولیت‌ها:

که نه قابل معالجه و نه قابل برطرف کردن هستند.

معلولیت به آسیب‌های ناشی از اختلال و ناتوانی گفته می‌شود که منجر به ایجاد محدودیت و جلوگیری از ایفای نقش طبیعی فرد در زندگی می‌گردد. به عبارتی دیگر معلولیت عبارتست از محدودیت‌های دائمی در زمینه‌های مختلف جسمی، حسی یا ذهنی - روانی که شخص مبتلا به آن را در زندگی روزمره در مقایسه با سایر افراد جامعه دچار مشکل یا محدودیت سازد.

در زمانی که مسئله معلولیت یکی از حادثترین مسائل جوامع بشری می‌باشد، بدیهی است که توانمندسازی معلولان یکی از مهم‌ترین مسئله‌های یک جامعه است که باید به آن بصورت بنیادی پرداخته شود. این قشر اگر چه دچار معلولیت هستند ولی از یک سری توانمندی‌ها و استعدادهایی برخوردار هستند و می‌توان این توانمندی‌ها را افزایش داد. مفهوم توانمندسازی به صورت عام از ابتدای خلقت بشر وجود داشته است. زندگی گذشته انسان و روند تکاملی آن طی تاریخ، گویای این موضوع است. ساخت سرپناه، رشد ابزارهای مورد استفاده برای گردآوری خوراک، شکار، کشاورزی و ایجاد تغییرات و تکامل آن‌ها برای حفظ نفس، بقا و بهبود زندگی نشان از تکامل توانمندی بشر دارد.

